

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېاد بدین بوم و بر زنده یک تن مېاد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لوموند دیپلماتیک
اپریل ۲۰۱۱

شورش در سوریه

Alain GRESH نوشته

یکی از آخرین کشورهایی که از شورش های اعراب بر کنار مانده بود، به نوبه خود به خروش آمد. در شرایطی که در کمال بی تفاوتی دولت های بسیج شده علیه جنایت های رژیم لبی، سرکوب در بحرین ادامه دارد؛ و بنظر می رسد که یمن به پایان کار نزدیک می شود؛ در حالی که تظاهرات در اردن، فزونی گرفته و تندتر می شوند؛ جنبش اعتراضی سوریه را نیز فراگرفت. نه فقط شهر درعا، واقع در جنوب کشور با ناآرامی های شدید روبروست، بلکه دامنه تنش ها به شهرهای مختلف کشور نیز رسیده و ده ها نفر کشته شده اند.

ناآرامی ها در شهر درعا، با دستگیری چند کودک ده ساله شروع شد که شعار هائی در مخالفت با دولت بر روی دیوارهای شهر نوشته بودند. مادران آنان که برای آزادی فرزندان شان جمع شده بودند، با پلیس درگیر شدند. بنا به گفته شاهدان، برخی از مادران را دستگیر و سرهای شان را تراشیده اند. این جرقه، آتش به باروتی کشید که آماده حریق بود.

همان طوری که جوشوا لاندیس، یکی از بهترین ناظران بر اوضاع سوریه در تارنامه «Syria comment» ۱ (می نویسد: «درعا شهری فقیر و سنی نشین است و هر آن چه در سوریه مسئله آفرین است، در این شهر گردهم آمده: اقتصادی ورشکسته، انفجار جمعیتی، فرماندار بد و نیروهای امنیتی خودکامه.»

این مشکلات با آن چه بقیه جهان عرب را به آتش کشید، متفاوت نیست، هر چند وضعیت سوریه ویژگی خود را دارد (هر کشوری ویژگی های خود را دارد). بدیهی است که نگران کننده ترین بعد، مسئله مذهبی است: سوریه را اقلیت علوی رهبری می کند، در حالی که ۶۰ درصد اهالی سنی اند. هر چند رژیم توانسته است پیوندی نزدیک با بورژوازی سنی دمشق برقرار کند. ده درصد جمعیت نیز مسیحی است.

فراموش نکنیم که اقلیت بااهمیت کردی در سوریه زندگی می کنند که بخشی از آنها حتی از داشتن ملیت سوری محرومند.

لاندیس در مورد تظاهرات درعا توضیح می دهد: «برای نخستین بار، دیروز (۲۲ مارس) شعارهای مذهبی شنیدیم، در حالی که تا کنون، اپوزیسیون به شعارهای ملایم نظیر برجیدن وضعیت فوق العاده، قانون جدیدی برای احزاب و گسترش

آزادي ها اکتفا مي کرد. اما روز پنجشنبه، تظاهرکنندگان شعارهاي ميانه رو را کنار گذاشته و فریای مي زدند: «نه، ایران؛ نه حزب الله؛ ما خواهان مسلماني هستيم که از خدا بترسد». این شعارها، یادآور شعار هائي است که اخوان المسلمین در سال هاي ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مي دادند، زمانی که آنان، حافظ اسد(علوي) را کافر تلقي مي کردند.

اگر در عا شهري است سني، لاذقيه در مرکز منطقه علوي مذهب واقع شده است. در آن شهر، خطر درگيري فرقه اي مستقيم وجود دارد. میان تظاهرکنندگان و ميليشيائي طرفدار اسد، برخوردهاي شديدي روي داد و شايع شد که گروه هاي مسلح علوي از کوهستان سرازير شده اند تا سني ها را به قتل برسانند. (۲). روز ۲۷ ژانويه نیز درگيري هاي جديدي گزارش شده بود. (۳)

آيا رژيم سوريه با تهديدي روبروست؟

رژيم مي کوشد از موضع گيري پايدارانه اش در جريان کشمکش اعراب-اسرائيل، بهره گيرد. اما، همان طوري که عبدالباري عطوان، سردبير روزنامه عربي زبان القدس چاپ لندن مي نويسد (روزنامه اي که به داشتن زباني صريح، پشتيباني از فلسطينيان و مخالفت با آمريکا شهرت دارد) (۳): همبستگي با مقاومت لبنان (حزب الله)، پذيرفتن دبيرکل هاي سازمان هاي فلسطيني (از جمله حماس)، در حالي که در هاي همه پايخت هاي عرب بر روي آنان بسته بود، موضعي قابل احترام است که به خاطر آن از رژيم سوريه ممنونيم. اين رژيم بهاي گزافي براي آن پرداخته است. اما، به ديده ما، هيچ تناقضي بين اين مواضع و قبول خواست هاي مردم سوريه وجود ندارد. و اگر تناقضي وجود داشته باشد، ما ترجيح مي دهيم که رژيم از پشتيباني خود از فلسطيني ها و آرمان فلسطين دست بردارد و به خواست هاي مردم کشورش پاسخ مثبت دهد که گسترش آزادي ها و مبارزه با فساد از آن جمله است (...). زيرا خلق هاي ستمديده قادر به آزادساختن سرزمين هاي اشغالي نبوده و ارتش هاي ديکتاتوري ها نیز قادر به جنگي پيروزمندانه نيستند».

تارنامه اينترنتي تلويزيون حزب الله، مخصصه سازمان هاي متعددي را در برابر رويدادهاي سوريه بازتاب مي دهد و دست امپرياليسم را در آن ها مي بيند. المنار، بيانات هوگو چاوز، رئيس جمهوري ونزوئلا را تکرار مي کند که سوريه را قرباني توطئه آمريکائي مي داند که هدفش تکرار سناريوي ليبي است. (۵)*

رژيم سوريه تلاش دارد که خود را ضامن اتحاد کشور و گوناگوني مذهبي آن معرفي کند. اما، آيا هراس از داستاني شبیه به عراق براي متوقف ساختن تظاهرکنندگان کافي است؟ چنين احتمالي ضعيف است. هيئت حاکمه در چند شهر بزرگ، تظاهرات پشتيباني از خود به راه انداخت، تلويزيون الجزيره را به خاطر پوشش رسانه هاي بين المللي هو کردند. از سوي ديگر، رژيم اصلاحاتي را قول داد: از نظر اجتماعي، افزايش سي درصدي حقوق کارمندان، در زمينه سياسي، پايان وضعيت فوق العاده (که جزئيات آن هنوز روشن نشده است) و قانون جديدي براي احزاب و مطبوعات. بشار اسد، قرار است بزودي با مردم سخن بگويد تا چهارچوب اصلاحات را توضيح دهد. او آگاه است که پيش از او، بن علي و مبارک امتيازاتي دادند ولي نتيجه معکوس داد و تظاهرات را گسترده تر کرد.

هيلاري کلينتون، وزير خارجه ايالات متحده در برنامه تلويزيون سي بي اس اظهار داشت که نه فقط مداخله نظامي در سوريه در دستور کار نيست، بلکه تاکيد کرد که براي هر دو حزب آمريکا، بشار اسد «يک اصلاح طلب» است. (نقل شده در سايت جوشوا لاندیس) (۶) (۲۷ مارس).

پيتر هارلينگ، مدير برنامه در «گروه بين المللي بحران» International Crisis Group که چند سال است در دمشق، رويدادهاي سوريه را دنبال مي کند در ستون بحث آزاد در روزنامه لوموند (۷) مي نويسد «سوريه بايد در جستجوي راه سوم باشد».

«رئيس جمهوري سوريه که توانسته محبوبيتي براي خود دست و پا کند، از جمله به خاطر موفقيت در سياست خارجي، در حرف، سرمايه اي سياسي در اختيار دارد که زمان آن رسیده تا به نفع بينشي سرمايه گذاري کند که مي تواند به راه سوم میان حفظ وضع موجود و نامعلومي یک تحول انقلابي خدمت کند. اما اين سرمايه ممکن است بسيار زود ارزش خود را ازدست بدهد».

«ظهور مجدد کیش شخصیت رو به قهقرا، حضور پدرمآبانه رئیس جمهور در میان مردم (مثلا بدون محافظ در مراسم افتتاح این یا آن طرح) و دیدار هیئت های سیار، شکل مناسبی از رهبری در شرایط موجود نیست: اعتماد به نفس و شناسائی بین المللی در بهترین حالت، اجزاء برنامه ای جمعی هستند که باید به اجرا گذاشته شود ولی خود این برنامه می بایست روشن شود».

«مقاومت بسیار خوبست ولی تکلیف سوریه چه می شود؟ در این حال، مشکل می توان گفت که سرکوبی رو به افزایش که اجبارا تحت رهبری رئیس جمهور و به نام او اعمال می شود، بتواند پایه چنین طرحی قرار بگیرد(...)».

«هیچ کس در منطقه نمی تواند تصور کند که در برابر ده ها سال تاخیر، نباید بهای هنگفتی پرداخت. این بها، دگرگونی عمیق در ساختار و عملکرد حکومت است از طریق مشارکت سیاسی واقعی و توزیع مجدد عادلانه اقتصادی و عادی سازی روابط با کلیه بخش های جامعه. و همه این تغییرات می بایست بر پایه گفت و گوئی فوری انجام بگیرد و نه تصمیمات خودسرانه».